

# بررسی مقاومت مذهبی زردشتیان در برابر مسلمانان در قرون اولیه اسلامی ها با نگاهی به زندو هومن یسن، شاهنامه و زردشت نامه

غلامرضا باطنی

می آمد.

ب- تکیه شاپور بر دین داری و حمایت خود از مغان و ایزدان و ساخت آتشکده‌های بی شمار در حمایت از آیین زردشتی و قراردادن موقوفات برای آن‌ها.

ج- جمع‌آوری، تلویین و ویراستاری اوستا به دست آذریاد مهراسپندان در زمان شاپور دوم.

د- کشتار مزدکیان در زمان خسرو اول انوشیروان و...

از جمله اقداماتی است که در زمان پادشاهی ساسانی در همراهی با مذهب رسمی و عمال مذهبی صورت می گرفت<sup>۳</sup> و البته در این فرآیند آیین زردشتی زواید و احکام خشک بسیار پذیرفته و به بازوی قدرتمندی در حکومت ساسانی و اقتدارگرایی موبدان تبدیل گشته بود و از حامیان برجسته‌ی نظام طبقاتی آن روزگار به حساب می آمد. به همین دلیل وقتی که اعراب با شعارهایی هم چون برابری و برادری به ایرانیان روی آوردند، پذیرش دین جدید چندان هم دور از انتظار نبود و همین امر سبب گردید، بدنه‌ی اصلی دین زردشتی از ورود اسلام به ایران آسیب فراوان یابد و در طی دو یا سه قرن از حالت دین غالب به جانب دین حاشیه کشیده شود. این تفوق اسلام سبب گردید که زردشتیان و به خصوص بزرگان ایشان هم چون آذر فرنبخ، زاد سپرم جوان جمان موبد و دیگر موبدان‌ها از دو عنصر اساسی در ادیان به طور عامل و دین زردشتی به طور خاص - در مواقع ضعف و سستی - یعنی:

الف- پیش گویی و بیان اقوال کهن در توجیه موقعیت حاضر

ب- بازنگری و توجه دوباره به آموزه‌های دینی و اثبات برتری خود نسبت به سایرین روی آوردند<sup>۴</sup> و به همین سبب پس از حمله‌ی اعراب و استقرار اسلام شاهد این دو رویه در آثار زردشتی هستیم. از یک سو رسالتی هم چون گجسته ابالیس و مناظراتی از این دست در اثبات عقاید زردشتی حتی با حضور خلیفه‌ی اسلامی و بزرگان سایر ادیان وجود دارد و از دیگر سو نوشته‌هایی هم چون زند و هومن یسن و جاماسپ نامگ و بعدتر **زراتشت نامه‌ی** زردشت بهرام پژدو در بیان اقوال کهن در توجیه فرودستی حاضر دوباره نویسی شده یا پدید می آیند.<sup>۵</sup>

به سخن دیگر موبدان از اعتقادات خود استفاده می کردند تا توضیح دهند که چرا زردشتیان در جامعه‌ی ایران به طبقه‌ی زیردست تبدیل شده‌اند و البته تکیه‌ی خاص این موبدان در این موقعیت خاص بر شروع آخر زمان و به اصطلاح دور آهن گومیخت است.

نتیجه‌ی این امر در نخستین سده‌های حکومت اعراب بر

□ یکی از شدیدترین دگرگونی‌ها در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران به تایید اکثر محققین و مورخین پس از حمله‌ی اعراب به ایران به وقوع پیوست. چنانچه تغییرات بنیادین و غیرقابل برگشت در ذهن و زبان تبار ایرانی برجای گذارد. بحث بر سر آن که چه عواملی باعث شد گروه فرودست و کم‌تعداد و در عین حال بی‌بهره از امکانات نظامی و بینش‌های تئوریک اقتصادی و سیاسی عرب، نه تنها امپراتوری ساسانی را با آن ساختارهای پیچیده و منسجم و در عین حال تثبیت شده، متلاشی کند و حتا به خفت و خواری از مردمان این حکومت بزرگ به برده‌گیری و خراج‌ستانی بپردازد و تا چندین قرن پس از آن به استشهد کتب تاریخی قدیم آن‌ها را سگ خویشتن ناشناس نیم‌کافر بنامد، موضوع این گفتار نیست.<sup>۱</sup> بلکه می‌خواهیم از منظری دیگر به بازشناسی هر چند مجمل نوعی مقاومت منفی ایرانیان در مقابل اعراب اموی و عباسی بپردازیم.

در این جا باید این نکته را متذکر شد که ورود سپاهیان مسلمان به ایران اگرچه در ابتدا به آسانی و سرعت صورت نپذیرفته، اما به هر حال اندیشه‌هایی که ایشان به همراه خود آورده و در سرزمین ایران منتشر ساخته‌اند به طور قطع می‌توانسته در نظام طبقاتی آن روزگار پذیرش خوبی داشته باشد. تکیه فراوان ایشان بر برابری‌های اجتماعی، سیاسی و نژادی که به همراه مبلغانی از سوی خود ایرانیان و در رأس آن‌ها سلمان پارسی<sup>۲</sup> همراه گردیده، می‌توانسته است تا حدود زیادی شانس پیروزی را دو چندان کند.

اما آن‌چه مقاومت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی بعدتر ایرانیان را برانگیخت، تفاوت قول و فعل اعراب اموی و سپس عباسی در اشاعه‌ی ایدئولوژی اسلام بود.

از آن‌جا که حمله‌ی اعراب به ایران سببه‌ی مذهبی داشت، پس آن‌چه بیش از هر چیز در این میان موقعیت خود را در خطر می‌دید، دین غالب ایرانیان و آن مذهب زردشتی بود.

دین زردشتی پس از فراز و فرودهایی که در طول تاریخ خود پشت‌سر گذارده بود، چونان هر ایدئولوژی و جهان‌بینی از یک نهاد اجتماعی و فردی مصلح به بازوی قوی و در عین حال اجرایی حکومت بدل گردیده و مشروعیت بخش پایه‌های سلطنت شده بود. این‌که در طول پادشاهی ساسانی به چند مورد مشخص در ارتباط وسیع و هم‌پای دین و حکومت برخورد می‌کنیم، موبدی بر این مدعاست. مواردی هم چون:

الف- احیای آیین زردشتی در ابتدای شاهنشاهی ساسانی توسط اردشیر پسر بابک که بابک خود موبد بزرگ آن‌اهیتا در استخر به‌شمار

سرزمین‌های ایران پیش‌بینی روز رستاخیز با تمرکز روی اشغال مسلمانان بود.<sup>۶</sup>

در ابتدای انتشار این پیش‌گویی‌ها نام اعراب یا تازیان به‌صراحت ذکر نمی‌گردید و در توجیه آن می‌توان شدت عمل اعراب را در برخورد با پیروان زردشت که از آن‌ها به مجوس تعبیر می‌کردند، ذکر کرد. به‌همین سبب شاهدیم که در ابتدا این‌گونه سخنان با کنایه و ایما نقل می‌شود، چنان‌که در زادسپرم وزیدگی‌ها، زاد سپرم جوان جمان موبد که در شهر سیرکان (سیرجان) در اواخر سده‌ی سوم هجری می‌زیست، این‌گونه پیش‌گویی پس از واقعه! را بیان می‌کند که «در سال سیصدم، روز تبدیل به شب خواهد شد، زیرا در آن زمان دین مورد غفلت قرار خواهد گرفت و...»<sup>۷</sup>

اما با گرویدن هرچه پیش‌تر ایرانیان به اسلام و گسترش نفوذ و نفرات اعراب در سرزمین ایران، موبدان و مولفان زردشتی خود را مجبور می‌بینند که با پیروان‌شان صریح‌تر و بی‌پرده‌تر سخن بگویند به همین سبب در کتبی هم‌چون زند و هومن یسن اوصاف و خصوصیات بسیاری ذکر می‌شود که طی آن‌ها می‌توان اعراب و خصوصیات‌شان را بازشناخت و به‌صراحت این عقیده مطرح می‌شود که مسلمانان عرب، مقارن آخرین روزهای بشریت - بنا به اعتقاد پیروان مزدیسنا - به ایران هجوم آورده و دستاوردهای آنان را به باد فنا می‌دهند.<sup>۸</sup>

برای آشنایی بیشتر با چنین تفکراتی به بررسی مختصری در رساله‌ی زند و هومن یسن می‌پردازیم: زند و هومن یسن با بهمن‌یشت، رساله‌ی کوتاهی‌ست مشتمل بر ۹ بخش کوتاه که هر کدام از آن‌ها به‌نام درخوانده می‌شوند، عمده‌ی مطالب آن شامل یک رشته حوادث است راجع به آینده‌ی ملت و دین ایران که اورمزد وقوع آن‌ها را به زرتشت پیش‌گویی می‌کند، این پیشامدها، هر کدام در دوره‌ی مشخصی اتفاق می‌افتد و قسمت عمده‌ی متن کتاب را دوره‌ی ماقبل آخر که هنگام تاخت و تاز «دیوان ژولیده موی از تخمه‌ی خشم» و اهریمن‌نژاد چرمین کمران تشکیل می‌دهند.<sup>۹</sup> آن‌چه در این رساله جالب توجه به‌نظر می‌رسد، این است که زردشتیان بنا به مفاد آن‌چه با اعتقاد به تقدیر و چه غیر آن تفوق و برتری اعراب را درک کرده‌اند، ولی در عین حال آن‌را بر خود امری سنگین و سخت به‌حساب می‌آوردند، چنان‌که در سرتاسر این رساله می‌توان جلوه‌های بی‌شمار شکست را در تفکر زردشتیان آن روزگار مشاهده کرد. به‌طور مثال در بند ۱۱ در نخستین اورمزد به زردشت می‌گوید: «و آن آهن‌آلود (هنگام) فرمانروایی بیدادانه‌ی دیوان ژولیده موی از تخمه‌ی خشم است، چون دهمین صد سال توبه سر رودای سپیتامان زردشت» و البته این معنی در بند ۲۹ در سوم نیز تکرار می‌شود.

یا در بند «۲۶» در چهارم آمده است که «اندر آن هنگام سخت، ای سپیتامان زرتشت (هنگام) فرمانروایی خشم سخت نیزه و دیوان ژولیده موی از تخمه خشم آن پست‌ترین بندگان به‌خلاندی ده‌های ایران فراز روند».

بر مبنای این آیات از این آمیزش، در گفتار و کردار و اندیشه‌ی مردمان دگرگونی پدید می‌آید که خصوصیاتشان از گونه‌ی دیگر است. در چنین موقعیتی فضایل به ردایل تبدیل می‌گردند و جلوه‌های انسانی و مزدایی به کردارهای اهریمنی تغییر ماهیت می‌دهند. در این رساله در توصیف خصوصیات این چنین مردمانی آمده است:

ایشان را پایداری در گفتار، پیمان، راستی و آیین نیست و زنه‌ار ندارند و به گفته‌های خود استوار نباشند (بند ۹، در چهارم، ص ۳۹)، مهرورزی بزرگ! دیگرگونه باشد (بند ۱۳، در چهارم، ص ۳۹) / مهر پدر از پسر و برادر از برادر

برود... و خواهش مادر از دختر جدا و دیگرگونه باشد (بند ۱۴، در چهارم، ص ۴۰) / در آن بدترین هنگام یک مرغ را بیش‌تر گرمی می‌دارند تا آن مردم دیندار ایران را (بند ۲۱، در چهارم، ص ۴۰) و در همه‌ی جهان مرده را چال کنند و مرده را بگسترانند و نهان کردن مرده و شستن مرده و سوزندان و بردن مرده به آب و آتش و خوردن مردار را به داد گیرند و نپرهیزند (بند ۲۳، در چهارم، ص ۴۰) / و آنان چنان فرمانروایی کنند بد کنند که مرد اشوی نیک و مگسی را کشتن به چشم ایشان هر دو یکی باشد (بند ۶۰، در چهارم، ص ۴۶) / به این ترتیب مشخص می‌شود موبدان زردشتی که از اوضاع جوامع ایرانی و زردشتی به‌خصوص در قرون اولیه پس از اسلام راضی نبوده‌اند، آن‌چه را از دیگر گشت روزگار به‌چشم می‌دیدند، از زبان اورمزد طی پیش‌گویی‌هایی به زردشت بیان کرده‌اند و با این عمل تا حدودی به توجیه وضع موجود خود نیز می‌پرداخته‌اند.

اما پس از آن‌که اظهار ناراضی‌تی فراوان طی جملات و بندهای پیاپی از آخرین هزاره‌ی زردشتی و غلبه‌ی دیوان ژولیده موی بیان می‌گردد. در بند هفتم زردشت از اورمزد، چه‌گونه‌ی تباه‌کردن این بدکیشان را جویا می‌شود، اورمزد از هوشیدر و تولد وی سخن می‌گوید و شمه‌یی از اوصاف او را بیان می‌کند. هوشیدر به دستگیری گروهی بی‌شمار از مردمان سیستان، پارس، خراسان، هرات و تبرستان که بدو می‌پیوندند، در کنار آروند سه کارزار کند و از آن زمان دوباره اقبال به ایشان روی کند و پشوتن با یکصد و پنجاه پیروش، شعارهای سه‌گانه‌ی پندار، گفتار و کردار نیک را تحقق می‌بخشد و دیگرباره امشاسپندان یک‌یک ظاهر می‌شوند، بهرام ورجاوند پایگاه دین را به داد و راستی استوار می‌سازد.

پس از آن‌که در نهم به ۱۸۰۰ سالگی زایش هوشیدر اشاره می‌کند، به آن‌جا می‌رسد که در انتهای گفتار اورمزد به درخواست آتش و آب، سام اوستایی را زنده می‌سازد و او آزی دهاک را که نماد پلیدی‌ست با گرز پیروزگر نابود می‌کند و پس از آن سوشیانس بازآفریدگان را ویژه کند و رستاخیز و تن‌پسین بود.

بخش‌های نهایی یعنی از در هفتم تا در دهم، چنان‌که گفتیم، بیانگر بازگشتن شکوه گذشته به دین بهی‌ست و این روشن‌کننده‌ی این امر است که زردشتیان اگرچه ضعف و شکست را پذیرفته‌اند، ولی باز هم چه از لحاظ مصلحت‌سنجی دینی و چه از لحاظ باورهای کهن خود به تقویت روحیه‌ی پیروان و زنده نگاه‌داشتن امید در ایشان می‌پردازد.

در مقابل این موارد که در سخنان موبدان و پیروان زردشتی جاری و ساری‌ست، باید به‌سوی دیگر جریان نیز نگاه کنیم و آن پیش‌گویی‌هایی از این دست در کتب شعر و نثر فارسی در همان قرون ۳ و ۴ هجری‌ست. باید گفت ما نیز نظیر چنین پیش‌گویی‌ها را در ادب فارسی هم داریم و پر رنگ‌ترین آن‌ها در **شاهنامه‌ی** فردوسی، ضمن پیش‌گویی‌هایی‌ست که رستم فرخزاد طی نامه‌یی به برادرش عنوان می‌کند.

این نامه که از لحاظ محتوایی نزدیکی بسیار به مطالب رسالاتی از نوع زند و هومن یسن دارد، بیانگر این واقعیت نیز هست که حتا ایرانیان مسلمان نیز چندان رضایتی از اوضاع نداشته‌اند. پس از برافتادن حکومت ساسانی، چندی خلفای فاسد اموی و پس از آن خلفای عباسی و حکومت‌های دست‌نشانده و یا مشروعیت‌گیرنده از خلفا در ایران پا می‌گیرند. تا پیش از ظهور دولت‌هایی هم‌چون طاهریان و صفاریان، ایرانی طعم تلخ سیادت عرب بر عجم را می‌چشد و پس از آن طی مجادلاتی سیاسی و نظامی حکومت در دست سامانیان دیری نمی‌پاید و غلامان ترک نژاد غزنوی روی کار می‌آیند. دسایس و عوام‌فریبی‌های بی‌شمار پدید

می آورند، یک چند به بهانه‌ی غزو و جهاد هند را پایمال ستوران و سپاهیان می‌کنند و بعد دارهای ۲۰۰ گانه در ری برپا می‌کنند<sup>۱۱</sup> و قرمطی می‌کشند، تفکر جذمی اشعری پدید می‌آید و پادشاه سرگرم حمله به غور، هند و خوارزم می‌شود. دانشمند فقیه عهد مسعود سائگین‌های شراب می‌نوشد و بعد مصلی نماز می‌گستراند.<sup>۱۱</sup>

اگرچه به ظاهر ساختارهای منظمی بر سر کار است ولی در زیر این نظم، آشفتگی و عدم ثبات خود را پنهان ساخته است. در چنین شرایطی ست که اکثر مورخان و نویسندگان و شعرای ایرانی اظهار نارضایتی خود را به طرق مختلف بیان می‌کنند و حتا یکی از دلایل پدید آمدن تفکرات زهدآمیز و ریاضت طلب تصوف را در همین فساد حکومتی و اجتماعی قرون اولیه‌ی خلافت اموی و عباسی جست‌وجو می‌کنند.<sup>۱۲</sup>

به‌همین دلایل چندان دور نیست که فردوسی هم با زبان حماسی و البته آندوه‌بار از زبان رستم فرخزاد به وصف و نقد روزگار هم‌عصرش بپردازد و سخنانی را بیان کند که قربت معنایی بسیاری با گفته‌های رسایل زردشتی مذکور در قبل دارد.

آن‌چه فردوسی از زبان رستم فرخزاد می‌گوید، البته همان چیزی است که در رسالاتی هم‌چون زند و هومن یسن آمده با این تفاوت که گوینده‌ی آن یک مسلمان شیعه است، مسلمانی که هنوز بر پیوندهای استوار ایرانی پابرجاست. بر طبق گفتار فردوسی، رستم فرخزاد آن‌گاه که از طریق اصطراب و اخترشناسی بر شکست ایرانیان از اعراب واقف می‌شود، نامه‌یی به برادرش می‌نویسد و طی آن تا چهارصد سال پس از آن پیش‌گویی می‌کند. در این پیش‌گویی‌ها رستم فرخزاد بر شکست ایران و از هم‌پاشیدگی تاج و تخت و سپاه شکوه می‌کند و از این‌که آیین‌های ایرانی متروک و سفالگان بر امور مستولی خواهند شد، ابراز نارضایتی می‌کند. بهتر است از زبان خود فرزانه‌ی طوس بشنویم:

کزین پس شکست آید از تازیان

ستاره نگردد مگر بر زبان

برین سالیان چارصد بگذرد

کزین تخمه گیتی کسی نسپرد...

تبه گردد این رنج‌های دراز

شود ناسزا شاه گردن‌فراز

نه تخت و نه دیهیم بینی نه شهر

ز اختر همه تازیان راست بهر...

کشاورز جنگی شود بی‌هنر

نژاد و گهر کم‌تر آید به بر

رباید همی این از آن، آن از این

ز نفرین ندانند بازآفرین

بداندیش گردد پسر بر پدر

پدر هم‌چنین بر سر چاره‌گر

شود بنده‌ی بی‌هنر شهریار

نژاد بزرگی نیاید به‌کار

از ایران و از ترک و از تازیان

نژادی پدید آید اندر میان

نه دهقان، نه ترک و نه تازی بود

سخن‌ها به کردار بازی بود...

نه جشن و نه رامش نه کوشش نه کام

همه چاره و تبیل و ساز دام...

زبان کسان از پی سود خویش  
بجویند و دین اندر آرند پیش

نباشد بهار از زمستان پدید

نیارند هنگام رامش نبید...<sup>۱۳</sup>

در کنار آن‌چه فردوسی از زبان رستم فرخزاد بیان کرده است، منظومه‌ی دیگری نیز به‌نام زرتشت‌نامه از زرتشت بهرام پژدو داریم که در سال ۶۴۷ یزدگردی مطابق ۱۲۷۸ میلادی سروده شده است. در این اثر هم نویسنده پس از شرح احوال زرتشت در آخر کتاب، پیش‌گویی‌های زرتشت را چنان‌که در بهمن یشت آمده است، ضمیمه می‌کند. بر طبق این ابیات که در بازشناخت دور آهن گمیخت است، زردشت بهرام سخنانی بر زبان می‌آورد که مشابهت معنایی بسیار با سخنان فردوسی دارد. به‌طور مثال وی می‌گوید:

بهفتم از آن شاخ آهن گمیخت

ز گیتی بدان‌گه ببايد گریخت

مر آن‌را که باشد دلش دین‌پژوه

ز دین دشمنان جانش آید ستوه

به بیداد کوشند یکبارگی

ندانند جز بر رجف بارگی

بدانگه هر آن‌کس که باشد بتر

بود هر زمان کار او خوب‌تر

پس این دین پاکیزه لاغر شود

همان مرد دیندار که‌تر شود

بسی نامداران و آزادگان

که آواره گردند از خاک و مان

برآیند با یک‌دگر ترک و روم

درافتند در هم چو باد سموم

همی‌دون بیابند قوم عرب

برانگیخته شر و شور و شغب

تی کشته گردد ز هر دو گروه

ز کشته بهر مرز بر کوه کوه

شود مرز ایران سراسر تباہ

ز ترک و ز تازی و رومی سپاه

نیارد پدر یاد فرزند خویش

از آن رنج و سختی که آید به پیش<sup>۱۴</sup>

**منظومه‌ی زرتشت‌نامه** نیز چونان سایر کتب از این دست سخنانی کم و بیش در انتقاد از اوضاع روزگار و البته رنج به‌دینان و زرتشتیان و از بین رفتن آیین‌های کهن را بیان می‌کند و نشان می‌دهد. لایه‌های زیادی بوده‌اند در ایران که حتا تا قرن هفت و هشت هجری هنوز به نقد و انکار اعراب می‌پرداخته و از آن‌ها براءت می‌جسته‌اند. البته با گذشت زمان و انتقاد خود مسلمانان از اوضاع نابسامان و در ثانی در اقلیت قرار گرفتن پیروان زردشت و رانده شدن آن‌ها به حاشیه ساختارهای اجتماعی نقدهایی از این‌گونه نیز به مرور کم شده و البته خود زردشتیان هم امید کم‌تری به آمدن بهرام و هوشیدر و سوشیانس و سایر ایزدان و برقراری مجد گذشته‌ی دین‌شان از خود نشان داده‌اند. در هر حال بررسی و توجه به این متون علاوه بر آن‌که ما را به فهم ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران در قرن‌های اولیه پس از اسلام آشنا می‌سازد، می‌تواند توجیه‌گر تفاوت‌های نگرش

# پیام و درس های شاهنامه

دکتر حسین وحیدی

□ **شاهنامه** ی فردوسی، این گنجینه ی بزرگ که برای شناخت بزرگی و ارج آن واژه یی در خور نمی توان یافت، در بردارنده ی پیام ها و درس هایی است که به راستی می توان گفت کیستی «شخصیت» ایرانیان به نام ایرانی و با داشتن زبانی به نام زبان فارسی در نسخه ی بزرگ برخاسته از این دفتر جاودان است. زمانی یک استاد ایرانی به مصر می رود و در آن جا در گفت و گو با استاد بزرگ دانشگاه الازهر، شیخ شلتوت از استاد مصری می پرسد: استاد شما با داشتن این شاروندی (تمدن) و فرهنگ بزرگ دیرین چرا عرب شدید، و ما ایرانیان ایرانی و فارسی زبان به جا ماندیم. استاد ایرانی می گوید: با شنیدن این پرسش من استاد بزرگ مصری اشک از دیدگانش روان شد و گفت: «برای آن که شما فردوسی داشتید و ما نداشتیم» به راستی باید گفت سخن دوست درباره ی به جا ماندن ما ایرانیان، در فراز و نشیب های بیکران تاریخ همان سخنی است که استاد مصری گفته است. برای روشن شدن گفته ی استاد مصری بهتر است از خود **شاهنامه** یاری بگیریم. از داستان بی مانند: «رستم و سهراب» داستان رستم و سهراب در زمینه ی ماندگاری ما ایرانیان در درازنای تاریخ در بردارنده ی درس بس بزرگی در پس زمان و بویژه در این زمان است. در داستان رستم و سهراب، سهراب از زبان مادرش از بودن پدرش رستم آگاه می گردد:

چنین گفت سهراب کاندر جهان  
کسی این سخن را ندارد نهان  
بزرگان جنگ آور از باستان  
ز رستم زند این زمان داستان  
نبرده نژادی که چونین بود  
نهان کردن از من چه آیین بود  
کنون من ز ترکان جنگ آوران  
فراز آورم لشکری بیکران  
برانگیزم از گاه کاووس را  
از ایران ببرم پی طوس را  
به رستم دهم تخت و گرز و کلاه  
نشانمش بر گاه کاووس شاه...  
بگیرم سر تخت افراسیاب  
سر نیزه بگذارم از آفتاب  
چو رستم پدر باشد و من پسر  
نباید به گیتی کسی ماجور  
چو روشن بود روی خورشید و ماه  
ستاره چرا بر فراز و کلاه  
ز هر سو سپه شد بر او انجمن  
که هم با گهر بود و هم تیغزن

ایرانیان با اعراب در زمینه ی مذهب، تفکر و اندیشه ورزی باشد و حتا تا حدودی زمینه های شکل گیری قیام های سیاسی امثال بابک خرم دین، مازیار، ابن مقفع و ابومسلم خراسانی و جنبش های فکری شعوبیان و اخوان الصفا و صوفیان را در بسترهای خاص اجتماعی پس از حمله ی اعراب مشخص می سازد. ■

## پی نوشت ها

- ۱- تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی دبیر، تصحیح دکتر غنی و دکتر فیاض، صفحه ی ۱۷۵ و ۱۷۳، برای بررسی بیشتر در حیطه ی جنگ های اولیه ی مسلمانان با ایرانیان می توان به کتاب هایی هم چون **دو قرن سکوت**، دکتر عبدالحسین زرین کوب، **ستیز و سازش**، جمشید کرشاسپ چوکسی، تاریخ ایران از تالیفات دانشگاه کمبریج به خصوص جلد سوم، **تجدد و تجددستیزی در ایران**، دکتر عباس میلانی و... مراجعه کرد.
- ۲- نفوذ مسلمان را می توان چه در جریان مشاوه های نظامی در جنگ خندق، چه در حدیث «مسلمانان ما اهل بیت است» و چه در حکم رانی او بر نواحی فارس شاهد بود.
- ۳- تاریخ ایران، کمبریج، جلد سوم، قسمت دوم، صفحه ی ۲۸۸، ۳۰۵ و هم چنین **کلاه گوشه ی نوشین روان**، دکتر باستانی پاریزی، صفحه ی ۲۰۶ به بعد.
- ۴- برای اطلاعات بیشتر در این خصوص رجوع کنید به **ستیز و سازش**، جمشید کرشاسپ چوکسی، فصل دوم و سوم، صفحه ی ۶۵ به بعد.
- ۵- **ستیز و سازش**، صفحه ی ۷۱، ۶- همان، صفحه ی ۷۱، ۷- همان، صفحه ی ۷۱ و ۷۲.
- ۸- **پیش گفتار زند و هومن یسن**، صادق هدایت، صفحه ی ۱۹ به بعد.
- ۹- همان، صفحه ی ۹.
- ۱۰- قصیده ی معروف فرخی سیستانی با مطلع: «ای ملک گیتی، گیتی تو راست / حکم تو بر هر چه تو خواهی رواست»، در مدح محمود غزنوی گواه این مدعا است. رجوع کنید به **دیوان حکیم فرخی**، تصحیح دکتر دبیر سیاقی، قصیده ی ۱۰، صفحه ی ۱۸ تا ۲۱.
- ۱۱- **تاریخ بیهقی**، مشحون از این رویدادها و حوادث است و البته در شناخت بسیاری از جریان های تاریخی، هویتی و اجتماعی عصر غزنوی و اندکی پیش از آن بسیار شایان دقت و توجه است.
- ۱۲- **جست و جو در تصوف**، دکتر عبدالحسین زرین کوب.
- ۱۳- **شاهنامه ی فردوسی**، به کوشش پرویز اتابکی، صفحه ی ۲۲۳۹ تا ۲۲۴۳.
- ۱۴- **زردشت نامه**، زردشت بهرام پزود، به کوشش صادق هدایت بخش ۵۸، دور آهن گمخت.

## منابع و ماخذ

- ۱- **زند و هومن یسن و زراتشت نامه**، به کوشش صادق هدایت، انتشارات جاویدان، تهران، ۲۵۳۷.
- ۲- **ستیز و سازش**، جمشید کرشاسپ چوکسی، ترجمه ی نادر میرسعیدی، انتشارات قفوس، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۳- **تاریخ بیهقی**، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، انتشارات خواجه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۰.
- ۴- **شاهنامه ی فردوسی**، به کوشش پرویز اتابکی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، جلد چهارم.
- ۵- **کلاه گوشه ی نوشین روان مغ**، دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۶- **دیوان حکیم فرخی سیستانی**، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، انتشارات زوار، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- ۷- **دو قرن سکوت**، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات جاویدان، چاپ ششم، بهمن ماه، ۲۵۳۵.
- ۸- **جست و جو در تصوف ایران**، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- ۹- **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد سوم، قسمت اول و دوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- ۱۰- **دانشنامه ی ایران باستان**، هاشم رضی، دوره ی پنج جلدی، انتشارات سخن، چاپ نخست، ۱۳۸۱.